

این کتاب بی فایده است

توماس مرتون

ترجمه‌ی علی رضا تنکابنی

www.ketab.ir



سرشناسه: مرقن، تامس، ۱۹۱۵-۱۹۶۸ م.

Merton, Thomas

عنوان و نام پدیدآور: این کتاب بی‌فایده است: خرد دانو/توماس مرتون؛ ترجمه‌ی علیرضا تنکابنی.

مشخصات نشر: تهران: نشر مکتوب، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۶۷-۵-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The way of Chuang Tzu, 2010

یادداشت: چاپ قبلی انتشارات کاروان. کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.

موضوع: جوانگ-دزی، قرن ۴ ق.م.

Zhuangzi

موضوع: تائوئیسم — متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: تائوئیسم — شعر

شناسه افزوده: تنکابنی، علی‌رضا، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ژ ۹۵/ج ۱۹۰۰ BL

رده بندی دیویی: ۲۹۹/۵۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۸۰۹۴۲



این کتاب بی‌فایده است

توماس مرتون

**The Way of Chuang Tzu**

Thomas Merton

ترجمه: علی رضا تنکابنی

چاپ اول: ۱۳۹۴

صفحه آرای: سارا محسن پور

طراحی جلد: آتلیه‌ی هیرمند

چاپ و صحافی: دبیرخانه نقش

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

۵۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدانیت. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

ISBN: 978-600-94267-5-1

انتشارات مکتوب: تهران، خیابان مدنی،

۸ متسری ولی عصر، کوچه‌ی رضوانی،

شماره‌ی ۳۲ تلفن: ۲۶۴۱۰۳۵۰

مرکز پخش: هیرمند - ۷۷۵۹۴۴۷۱

## فهرست

|                   |                         |
|-------------------|-------------------------|
| پیش گفتار، ۱۳     | رد پا، ۵۵               |
| بی قابده، ۱۹      | گلّه، ۵۷                |
| درخت بی قابده، ۲۱ | ناشکری، ۵۹              |
| خروس جنگی، ۲۳     | پوزش، ۶۱                |
| تعبیر ماهیت، ۲۵   | زندانیان، ۶۳            |
| مرد یک پا، ۲۷     | قانون درون، ۶۵          |
| خدا کجاست، ۲۹     | دوران بر تاریخ، ۶۷      |
| سفید و سیاه، ۳۳   | نفس طبیعت، ۶۹           |
| جی جی، ۳۵         | مرد خدای، ۷۱            |
| زورق خالی، ۳۷     | نیک خواه و درست کار، ۷۳ |
| جامه‌ی مخصوص، ۴۱  | آداب و رسوم، ۷۶         |
| تخم کدو، ۴۳       | بی دندان، ۷۷            |
| گاو صندوق، ۴۵     | غوک و سنگ پشت، ۷۹       |
| سه پادشاه، ۴۹     | مرغ دریا، ۸۱            |
| درخت مقدس، ۵۱     | کیست؟، ۸۴               |

فراموش کن، ۱۵۵

مست، ۱۵۷

چوب تراش، ۱۶۰

شاگرد استاد گنگ، ۱۶۲

روشنایی و نیافریده، ۱۶۸

ماهی و آدم، ۱۶۹

پاداش، ۱۷۱

کوچک و بزرگ، ۱۷۳

ابزار آلات، ۱۷۷

دخالت نکردن، ۱۷۹

سه نادر صبح، ۱۸۳

محور الهی، ۱۸۵

مهمان سرای، ۱۸۹

سنگ پشت مقدس، ۱۹۱

پنج دشمن، ۱۹۳

مروارید شیرنگ، ۱۹۵

خدا، ۱۹۷

سنگواری، ۱۹۹

خوکان قربانی، ۲۰۱

شادی ماهیان، ۲۰۳

شادی کامل، ۲۰۵

یشم گران، ۲۱۱

چرخ سار، ۲۱۲

ماهی تابه، ۲۱۷

بیر بازی، ۲۱۹

بله قربانان، خون میکان، متصدیان، ۲۲۱

وقتی که کفش اندازه هست، ۲۲۵

نیاز به پیروزی، ۲۲۷

میمون، ۲۳۹

فاتحه، ۲۳۱

شاه منش، ۸۵

سیلاب، ۸۷

استاد لیمزو، ۹۱

بی شعور، ۹۳

رها، ۹۵

سلاخی گاو، ۹۶

مرگ همسر، ۹۹

پروانه، ۱۰۱

کران و بی کران، ۱۰۲

درار و کوناه، ۱۰۳

قنبر و برشانی، ۱۰۵

سمندر و یوق، ۱۰۷

شمشیربار، ۱۰۹

زشت، ۱۱۶

مشتاق مباشر، ۱۱۷

دانش کلان، ۱۱۸

تیک بخت، ۱۲۱

نصیحت به امیر، ۱۲۵

می دانم که نمی دانم، ۱۲۷

تلمبه، ۱۳۰

فرار از سایه، ۱۳۳

قلعه‌ی روان، ۱۳۵

دانش و خدا، ۱۳۷

هدف و نتیجه، ۱۴۰

کنفوسیوس و دیوانه، ۱۴۱

مرد راستین، ۱۴۳

گر و آشپز، ۱۴۶

کلاه فروش، ۱۴۹

مقام نخست وزیری، ۱۵۱

رهبران پیشین، ۱۵۳

## پیش گفتار

۱۳

پیش گفتار

این کتاب برگزیده ایست از کتاب باستانی جوانگزه<sup>۱</sup> که در کنار لیسه<sup>۲</sup> و لائوزه<sup>۳</sup>، بنیانگذاران مکتبی به نام دائو<sup>۴</sup> شناخته شده اند.

دائو را می توان راه، طریقت، و با روش طبیعت ترجمه کرد. ولی در حقیقت دائو چیزی نیست که بتوان با واژه ها یا منطق و استدلال دریافت. یکی از آموزش های بنیادی دائو این است:

دائویی که بتوان شرح داد، دائو حقیقی نیست  
نامی که بتوان نام برد، نام جاودانی نیست.



در این کتاب بی فایده واژه ی خدا را جایگزین دائو کرده ام و تردیدی ندارم که هر دو واژه اشاره به آن ورای واژه ها است.

1. Chuang Tzu

2. lieh tzu

3. lao tzu

4. Dao

از کلیه اشخاصی که دائویی‌ها را استادان خود می‌دانند و حدود شش تا سه قرن پیش از میلاد می‌زیسته‌اند، تنها می‌توان جوانگزه را در مکان و زمان مشخصی قرار داد. به گفته‌ی سی‌ماچیان<sup>۱</sup> تاریخ‌شناس چینی، جوانگزه حدود چهار قرن پیش از میلاد، در شهری بنام منگ<sup>۲</sup> چشم به جهان گشود. نام اصلی‌اش جوانگجو بود، ولی لقب زه به معنی استاد، به او و دیگر استادان دائویی داده شده است.

جوانگزه چنان در مناظره و مباحثه در میان مردم مهارت داشت که حتا بزرگ‌ترین فیلسوفان آن دوران، یارای دفاع از حمله‌های بی‌رحمانه‌ی او را نداشتند.

۱۲

این کتاب  
بی‌فایده است

او آزاده‌ای بود که برده‌ی هیچ قدرت، ثروت، مقام و مکتبی نشد. بلا داستان‌ی به نقل از سی‌ماچیان می‌توان به این آزادگی پی‌برد:

امیری مأموری فرستاد تا پست مهمی را در دربار به جوانگزه پیشنهاد کند. جوانگزه پاسخ داد: «قربان، آیا هرگز گاوی که برای قربانی آماد می‌سازند دیده‌اید؟ او را با زیباترین پوشاک می‌پوشانند و بهترین ذرت‌ها و علف‌ها را به خوردش می‌دهند. هر چند زمانی که او را برای ذبح به درون معبد بزرگ می‌برند، هر قدر در آن دم آرزو کند که گاوی معمولی شود، ممکن نیست.»

برای جوانگزه کلیه‌ی بخش‌های زندگی با هم برابر است. او هر چیز و کسی را که بخشی از زندگی را بالا و بخشی دیگر را پست می‌شمارد ردّ می‌کرد. به عقیده‌ی او بهترین و بدترین هر دو از طبیعت ذاتی خود، طبیعت دانو دور شده‌اند. او با هر کس، چه فرمانروایان، چه صاحب منصبان و چه مروجان دینی که سعی بر مهار طبیعت ذاتی هر مخلوقی به‌ویژه آدمیان داشتند، دشمنی سرسخت داشت.

به عقیده‌ی او هر تلاشی بر تحمیل فرهنگ یا تمدنی خاص بر طبیعت ذاتی جهان، اشتباه بسیار بزرگ و ناشایسته‌ای است که جهان را از حالت طبیعی خود، جهان دانو دور می‌کند. جوانگزه با تدبیرهای گوناگون سعی دارد ما را وادارد به آن‌چه که به‌عنوان حقیقت شناخته و باور داریم نگاه کنیم. او آن‌چه را که مکتب‌ها و قدرت‌های گوناگون مدّعی آنند، به تنهایی و با امتناع و تمسخر مورد سؤال و حمله قرار می‌دهد. این امتناع از بناسازی معانی که جمعی آن را حقیقت پنداشته و سپس بر دیگران تحمیل می‌کنند، یکی دیگر از آموزش‌های بنیادی دانویی هاست. در این جا مثالی می‌آورم از کتاب لیه‌زه که نمایان‌گر این موضوع است.

مردی پیش از سفری دوردست و طولانی چند تن از نزدیکان خود را به شام دعوت کرد. وقتی خوراک‌های ماهی و مرغابی سفره را زینت دادند، گفت:

«خداوند چه بخشنده و مهربان است، برای خوراک ماهیان و مرغابی غلات را آفریده و برای خوراک آدمیان، ماهیان و مرغابی را.»



در جواب، همه‌ی میهمانان سر تأیید تکان دادند، به جز پسر بچه‌ی دوازده ساله‌ای که از میان آنان برخاست و گفت: «جناب‌عالی در اشتباهید! همه‌ی مخلوقات همان‌گونه آفریده شده‌اند که ما خلق شده‌ایم، و همه از یک چیزند. مخلوقی برتر از دیگری نیست. طریق جهان بر آنست که قوی‌تر و زیرک‌تر بر ضعیف‌تر و نادان‌تر سلطه داشته باشد. مخلوقات یک‌دیگر را می‌خورند. اما آنان بدین خاطر نیافریده شده‌اند. به یقین ما آن‌چه را که قادریم خوراک خود کنیم، گرفته و می‌خوریم. اما نباید مدعی شویم که در وهله‌ی اول خداوند آنان را تنها برای ما آفریده است. پشه‌ها خون ما را می‌مکند، گرگ‌ها و ببران گوشت ما را می‌بلعند، آیا این بدان معناست که خداوند ما را در اصل برای پشه‌ها و گرگ‌ها و ببران آفریده است؟»

۱۶

این کتاب  
بی‌فایده است



در این جا صدای قاطع دائویی‌ها و مخالفت آنان با آن‌چه اکثر مردم مدعی آفتد را، از دهان یک پسر بچه‌ی دوازده ساله می‌توان شنید.

به حقیقت مشخص نیست که آن‌چه امروز در جهان به نام کتاب جوانگ‌زه شناخته شده است، تا چه حد نوشته‌های اوست. این کتاب برای اولین بار به صورتی که ما امروز به آن دست‌رسی داریم، حدود سه قرن پس از میلاد به وسیله‌ی شخصی به نام کوشیانگ<sup>۱</sup> جمع‌آوری و ویرایش شد، و تا امروز بحث است بر

این که چه بخشی از آن را جوانگزه نوشته، و چه بخشی به او نسبت داده شده است.

این کتاب بی‌فایده است را من پس از مطالعه‌ی دو ترجمه‌ی گوناگون از کتاب جوانگزه به زبان انگلیسی و مقایسه‌ی آنان با یک‌دیگر گردآوری نمودم. تلاش من بر آن بود که این کتاب را به زبان بسیار ساده به فارسی برگردانم. برای من که نه تجربه‌ای در نویسندگی و نه تجربه‌ای در ترجمه‌ی کتاب داشتم، ترجمه‌ی این کتاب غنی کاری سخت و دشوار بود. چند تن از دوستان به‌ویژه برادرزاده‌ام نفیسه مرا یاری کردند. ولی بیش‌ترین کمک از هشق ژرقم به این استاد آمد.

می‌دانم، می‌دانم که با تمام تلاشم این کتاب هنوز اشکالات فراوانی دارد. به‌ویژه در چشمان تیزبین صاحب‌نظران و اهل ادب. ولی چه می‌شود کرد؟ من تلاش خود را کردم. شاید این کتاب بی‌فایده نباید خالی از اشتباه باشد. شاید نامش را نباید می‌گذاشتیم: «این کتاب بی‌فایده و پر از اشتباه است».